

بسم الله الرحمن الرحيم

99/10/29

موضوع: دو شبهه مهم مخالفین، پیرامون شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیه)

ویژه برنامه دانش افزایی فاطمی

فهرست مطالب این برنامه:

آیا خانه های مدینه درب نداشته است!؟

1- کلید خانه های مسلمین در قرآن

2- دستور پیامبر به بستن درِ منازل

3- خانه های پیامبر از چوب درخت سرو

4- نگاه عائشه از درز درب

5- حدیث سد الابواب، دلیلی محکم بر در داشتن خانه های مدینه

6- پیامبر اکرم در خانه را می بندد

7- در خانه حضرت زهرا به روی مهاجمان بسته می شود

8- عمر درب خانه فاطمه زهرا را دق الباب می کند

چرا با وجود امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) حضرت زهرا به پشت در رفت!؟

1- فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پشت در نشسته بود

2- حرمت دخول به خانه بدون اذن صاحب آن

3- لزوم رعایت حرمت خانه نبوت

4- لزوم رعایت احترام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

5- برگشتن مردم با شنیدن ناله حضرت زهرا (سلام الله علیها)

6- باز کردن درب خانه توسط همسران رسول خدا برای نامحرم

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفوض أمری إلى الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

قبل از آغاز سخن شهادت جانسوز حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و شما عزیزان و گرامیان بیننده این برنامه، تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

### آیا خانه های مدینه درب نداشته است؟!

یکی از شبهاتی که وهابیت در رابطه با قضیه شهادت حضرت فاطمه زهرا مرتب مطرح می‌کنند، این است که "شیعه می‌گوید درب خانه حضرت فاطمه زهرا را آتش زدند، حال آنکه خانه‌های مدینه در نداشت."

طبق آنچه آنها ادعا می‌کنند درب خانه‌های مدینه همانند خانه‌های بادیه نشینان امروزی باز بوده است یا اینکه پرده‌ای جلوی در آویزان می‌کردند. بنابراین معلوم می‌شود که حرفی که شیعیان می‌زنند مبنی بر آتش گرفتن درب خانه، واقعیت ندارد.

## 1- کلید خانه‌های مسلمین درقرآن

مشخص است که این افراد به بعضی از مطالبی از کتب شیعه هم استدلال می‌کنند. من خیلی زیاد نمی‌خواهم روی آن قضیه ورود پیدا کنم، اما در مقام جواب، ابتدا به سراغ قرآن کریم می‌رویم. خداوند عالم در سوره مبارکه نور آیه 61 می‌فرماید:

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ

بر نابینا و افراد شل و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند) و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه‌های خودتان (خانه‌های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می‌شود بدون اجازه خاصی) غذا بخورید، و همچنین خانه‌های پدرانتان، یا خانه‌های مادرانتان، یا خانه‌های برادرانتان، یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهایتان، یا خانه‌های عمه‌هایتان، یا خانه‌های داییهایتان، یا خانه‌های خاله‌هایتان.

(أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعاً أَوْ أَشْتَاتاً)

یا خانه‌ای که کلیدش در اختیار شما است، یا خانه‌های دوستانتان، بر شما گناهی نیست که بطور دسته جمعی یا جداگانه غذا بخورید.

سوره نور (24): آیه 61

طبق این آیه شریفه اگر یک نفر از همسایه‌های شما به مسافرت رفته است و با توجه به اعتمادی که به شما دارد، کلید خانه خود را به شما داده است تا به خانه او سر بزنید.

این بدان معناست که به قدری میان شما و این شخص صمیمیت وجود دارد که او کلید خانه خود را در اختیار شما قرار داده است. وقتی شما وارد خانه این شخص شدید، می‌توانید از خوراکی‌های موجود در یخچال این شخص استفاده کنید و بخورید.

ما در خصوص این آیه شریفه از آقایان سؤالی داریم، همچنان که خطاب اولیه این آیه هم مسلمانان به ویژه مسلمانان مدینه است. اگر خانه‌های مدینه در و قفل ندارد، کلید به چه معناست؟!

اگر خانه‌های مدینه تنها پرده داشت، احتیاجی به کلید نبود و همسایه می‌گفت که شما به خانه‌های ما هم سر بزنید.

گفتنی است که در این آیه شریفه (أَوْ مَا مَلَکَتْهُم مَّفَاتِحُهُ) آمده است، به این معنا که شخص کلید خانه خود را در اختیار شما قرار می‌دهد تا به خانه او سر بزنید.

این آیه شریفه نشانگر این است که خانه‌های مدینه در و قفل و کلید داشت. اگر فردی به مسافرت می‌رفت بر مبنای اعتمادی که به دیگران داشت، کلید خانه‌اش را در اختیار آنها قرار می‌داد.

## 2- دستور پیامبر به بستن دَرَبِ منازل

نکته دیگر اینکه کتاب «سنن أبی داود» از قول «سعید مزنی» نقل می‌کند که خدمت پیغمبر اکرم آمدیم و گفتیم: یا رسول الله! ما گرسنه هستیم. پیغمبر اکرم به عمر بن خطاب دستور داد: برو و برای مهمانان از خانه بالا غذا بیاور.

«فَأَخَذَ الْمِفْتَاحَ مِنْ حِجْزِهِ فَفَتَّحَ»

و کلید را از کمر بندش بیرون آورد و به او داد و در را باز کرد.

سنن أبی داود، اسم المؤلف: سليمان بن الأشعث أبو داود السجستاني الأزدي، دار النشر: دار الفكر --  
تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد، ج 4، ص 360، ح 5238

اگر خانه‌های مدینه در نداشت، برداشتن کلید از کمر بند و بیرون آوردن و باز کردن درب چه معنایی دارد؟! این روایت متعلق به زمان رسول الله در مدینه است. در کتاب «صحيح مسلم» از قول «ابو حميد» نقل می‌کند:

«إِنَّمَا أُمِرَ بِالْأَسْقِيَةِ أَنْ تُوَكَّأَ لَيْلًا»

پیغمبر اکرم به ما دستور داد شب‌ها درب ظرف آب کنار اتاق را پیوشانید.

«وَبِالْأَبْوَابِ أَنْ تُغْلَقَ لَيْلًا»

و شب‌ها درهای خانه‌های خود را ببندید.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1593، ح 2010

اگر خانه‌های مدینه در ندارد و فقط پرده و حصیر بوده است، «تُغْلَقَ لَيْلًا» چه معنایی دارد؟! این آقایان بدون اینکه تاریخ را مطالعه کنند و حتی کتاب‌هایی مثل «صحيح مسلم» که اصح الکتب بعد از قرآن هست را مطالعه کنند، شروع به مانور دادن در شبکه‌ها می‌کنند.

### 3- خانه های پیامبر از چوب درخت سرو

آن‌ها ادعا می‌کنند که شیعیان توجه ندارند و دروغ می‌گویند. بازهم در کتاب «البدایة و النهایة» اثر «ابن کثیر دمشقی» متوفای 774 هجری نقل شده است:

«وكانت حجرة من شعر مربوطة بخشب من عرعر»

حجره‌های رسول خدا از شاخه و چوب و عرعر به وسیله مو بافته شده بود.

این بدان معناست که درب حجره‌ها از چوب خشب و سرو بود و روی آن را هم به علی به وسیله موی حیوان پوشانده بودند.

«قال وفي تاريخ البخاري أن بابه عليه السلام كان يقرع بالاطافير فدل على أنه لم يكن لابوابه حلق»

و در تاریخ بخاری آمده است: درب خانه پیامبر را با نوک انگشتان و ناخن‌ها می‌زدند و این دلالت بر این دارد که حلقه‌هایی برای کوبیدن بر در نداشته است.

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف – بيروت، ج 3، ص 221، فصل وبنى لرسول الله حول مسجده الشريف حجر لتكون مساكن له ولاهله

کسانی که می‌آمدند و با پیغمبر اکرم کار داشتند، با ناخن‌هایشان به مسامری که به در کوبیده شده بود می‌زدند.

عزیزان مشاهده کردند و در حال حاضر در بسیاری از روستاها چنین است که اگر کسی می‌خواهد درب را دق الباب کند، مسمار بزرگی روی درب می‌زنند به طوری که روی آن حلقه‌ای قرار دارد که آویزان است.

افراد حلقه را روی مسمار می‌کوبند، صدا ایجاد می‌شود و صاحبخانه متوجه می‌شود که کسی در را دق الباب می‌کند. این روایت می‌گوید صحابه وقتی می‌خواستند در خانه پیغمبر اکرم را بزنند، با ناخن‌هایشان می‌زدند تا صدا ایجاد کند.

ما از آقایان وهابی سؤال می‌کنیم که اگر درهای مدینه از پرده یا حصیر بود، معنا دارد که پرده را با ناخن بزنند یا روی پرده حلقه‌ای بزنند؟!

این نشانگر این است که درهای خانه رسول گرامی اسلام از چوب بوده و روی چوب می‌زدند و در خانه پیغمبر اکرم هم حلقه نداشت.

آقای «بخاری» کتابی به نام «الأدب المفرد» دارد. علی رغم اینکه علمای اهل سنت بر این عقیده هستند که تمامی روایات کتاب «الأدب المفرد» معتبر است، اما «ناصرالدین ألبانی» کتاب «صحيح الأدب المفرد» را تحقیق کرده است. ایشان می‌نویسد:

«فَسَأَلْتُهُ عَنْ بَيْتِ عَائِشَةَ؟»

در مورد خانه عایشه سؤال کردم.

«فَقَالَ: كَانَ بَابُهُ مِنْ وَجْهَةِ الشَّامِ»

گفتند: در خانه عایشه به سوی شام بوده است.

این که ادعا می‌کنند پیغمبر اکرم در خانه عایشه از دنیا رفت، یکی از دروغ‌های بزرگ تاریخ است. حجره‌ای که رسول اکرم در آنجا از دنیا رفتند و همان جا هم دفن شدند، به طرف شام نیست. این حجره به طرف غرب باز می‌شود، نه به طرف شمال یا شام.

«فَقُلْتُ: مِصْرَاعًا كَانَ أَوْ مِصْرَاعَيْنِ؟»

پرسیدم: در خانه عایشه دو لنگه بود یا یک لنگه بود؟

«قَالَ: كَانَ بَابًا وَاحِدًا»

گفتند: در خانه عایشه یک لنگه بوده است.

اگر قرار است در خانه‌های قدیم از پرده باشد، چه معنا دارد که کسی بپرسد در یک لنگه بوده یا دو لنگه بوده است؟!

«قُلْتُ: مِنْ أَيِّ شَيْءٍ كَانَ؟»

پرسیدم: جنس در خانه از چه بود؟

«قَالَ: مِنْ عَزَعَرٍ أَوْ سَاجٍ»

گفتند: جنس آن از چوب درخت سرو یا درخت کاج بوده است.

در خصوص سند روایت هم در ابتدای روایت آمده است:

«صحيح الإسناد»

صحيح الأدب المفرد للإمام البخاری، المؤلف: محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاری، أبو عبد الله (المتوفى: 256 هـ)، محقق أحاديثه وعلق عليه: محمد ناصر الدين الألبانی، الناشر: دار الصديق للنشر والتوزيع، الطبعة: الرابعة، 1418 هـ - 1997 م، ج 1، ص 290، باب 299- بَابُ الْبِنَاءِ- 334

این روایات نشانگر این است که این آقایان حتی کتاب‌های مربوط به خودشان را هم به دقت نمی‌خوانند.

آن‌ها شبهه‌ای را مطرح می‌کنند و تصور می‌کنند که با این شبهه، فتح الفتوح کردند و شبهه‌ای را علیه شیعه مطرح کردند به طوری که استدلال شیعه را با این کارشان باطل کردند.

4- نگاه عائشه از درز درب



بازهم در کتاب «صحيح بخارى» روايتى نقل شده است كه تقاضا دارم عزيزان ملاحظه بفرمايند. اين روايت از قول عايشه نقل شده است كه وقتى قتل «زيد بن حارثه» و «جعفر بن اَبو طالب» و «عبدالله بن رواحه» در جنگ موته اتفاق افتاد، حزن و اندوه از صورت نبي گرامى اسلام معلوم بود؛

«وَأَنَا أَطَّلِعُ مِنْ شَقِّ الْبَابِ»

و من از درز درب از اين قضيه اطلاع پيدا كردم و حزن رسول اكرم را ديدم.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 440، ح 1243

اين كه عايشه مى گويد: آيا «أَطَّلِعُ مِنْ شَقِّ الْبَابِ» يعنى عايشه از بين پارگى پرده حضرت را مشاهده مى كرد؟! در اين صورت بايد مى گفت: «من شق الستار» نه «من شَقُّ الْبَابِ».

معمولاً درهايى كه درست مى كنند، از چوب تر است به طورى كه وقتى مى خشكد چوب ها از همدىگر فاصله مى گيرد و داخل ديده مى شود.

اين روايت هم نشانگر اين است كه عايشه از درز و شكاف درب، داخل را مى بيند. ما كارى نداريم كه اين كار درست هست يا خير و آن بحث جدائى دارد، اما «وَأَنَا أَطَّلِعُ مِنْ شَقِّ الْبَابِ» بازهم حرف آقاىان را كاملاً رد مى كند.

#### 5- حديث سد الابواب، دليلى محكم بر در داشتن خانه هاى مدينه

نكته بعدى حديث سدّ الأبواب است. مى توان گفت حديث سدّ الأبواب يکى از احاديث متواتر است. صحابه در اطراف مسجد النبى براى خودشان حجره و منزلى درست کرده بودند.

حال ما کاری نداریم که صحابه در آن مسجد سکونت می‌کردند یا بین الصلاتین آنجا استراحت می‌کردند.

خداوند عالم به پیغمبر اکرم دستور داد که تمام درهای خانه‌های صحابه که به مسجد باز می‌شود را ببندند، غیر از در خانه امیرالمؤمنین. در کتاب «صحیح سنن ترمذی» جلد سوم آمده است:

**«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ»**

پیغمبر اکرم دستور داد درهای تمام خانه‌هایی که به مسجد گشوده می‌شد را ببندند، غیر از در خانه علی بن ابی طالب.

صحیح وضعیف سنن الترمذی، المؤلف: محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفى: 1420 هـ)، مصدر الكتاب: برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، ج 8، ص 232، باب 3732

آیا مراد از «سد الأبواب» که در اینجا آمده است، این است که پرده‌ای بوده است و حضرت فرموده‌اند پرده را کنار بزنند و جای آن را با خشت و گل پر کنند؟!

شاید مراد این است که درهایی از مسجد به خانه‌های اطراف باز می‌شد که صحابه در آنجا استراحت و زندگی می‌کردند. اگر در باز بود یا پرده بود، مسلمانان در مسجد بودند و اهل و عیال صحابه را مشاهده می‌کردند.

«نسائی» در کتاب «خصائص امام علی» با سند حسن همین تعبیر را دارد و می‌نویسد:

**«فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَدُوا هَذِهِ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ»**

خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب؛ المؤلف: أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (المتوفى: 303 هـ)، المحقق: أحمد ميرين البلوشي، الناشر: مكتبة المعلا - الكويت،

الطبعة: الأولى، 1406؛ ج1، ص 59، ح 38، باب ذكر قول النبي صلى الله عليه وسلم أمرت بسد هذه

الأبواب غير باب علي

بعد از این اقدام رسول گرامی اسلام، صحابه به اعتراض آمدند که چرا پیغمبر اکرم درهای خانه‌های ما را به مسجد بست و در خانه علی بن ابی طالب را گشود.

«حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد سوم صفحه 135 از قول «زید بن أرقم» نقل می‌کند:

«كانت لنفر من أصحاب رسول الله أبواب شارعة في المسجد فقال يوما سدوا هذه الأبواب إلا باب علي»

در ادامه می‌گوید:

«فتكلم في ذلك ناس»

عده‌ای از مردم اعتراض کردند.

«فقام رسول الله فحمد الله وأثنى عليه ثم قال أما بعد فإني أمرت بسد هذه الأبواب غير باب علي»

پیغمبر اکرم بلند شدند، خطبه خواندند و بعد از حمد و ثنای الهی فرمودند: خداوند عالم به من دستور داد همه درها به غیر از در خانه علی را ببندم.

«فقال فيه قائلكم والله ما سدت شيئاً ولا فتحت»

بعضی از شما مردم اعتراض دارید، اما به خدا سوگند من از نزد خودم در کسی را باز نکردم و در کسی را هم نبستم.

«ولكن أمرت بشيء فاتبعته»

به من دستور داده شد و من هم تبعیت کردم.

«هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:  
دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج  
3، ص 135، ح 4631

این روایات نشانگر این است که حتی درهایی از خانه صحابه به سوی مسجد بوده است. خانه‌های صحابه  
دری به سوی کوچه داشتند که از آنجا بیرون می‌رفتند و هم دری به داخل مسجد داشت.

درهای داخل مسجد سبب می‌شد که دیگر لازم نباشد صحابه از طرف درهای ورودی مسجد النبی وارد مسجد  
شوند، بلکه از خانه آنها به طرف مسجد دری بود که وضو می‌گرفتند و از همان جا وارد مسجد می‌شدند و بعد  
از نماز خواندن به خانه برمی‌گشتند.

ما در این زمینه روایت زیاد داریم و یکی دو مورد نیست. در کتاب «بحارالانوار» اثر «مرحوم مجلسی» روایات  
مفصلی نقل شده است.

#### 6- پیامبر اکرم در خانه را می‌بندد

در کتاب «بحارالانوار» جلد 43 روایتی نقل شده است که مربوط به حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها)  
است. نقل شده است در شب ازدواج حضرت فاطمه زهرا، نبی گرامی اسلام آمدند و حضرت را تحویل  
امیرالمؤمنین دادند و برای آنها دعا کرد.

«ثُمَّ قَامَ فَأَغْلَقَ عَلَيْهِمَا الْبَابَ»

سپس برخاست و در را بست و بیرون رفت.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 43،

ص 142، ح 37

اگر خانه امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا در نداشت و پرده بود، «فَأَعْلَقَ عَلَيْهِمَا الْبَابَ» چه معنایی می‌توانست پیدا کند؟!

ما از اینطور قضایا الی ماشاءالله داریم. البته همین تعبیر را در کتاب «مصنف عبدالرزاق صنعانی» هم با اختصار در جلد پنجم صفحه 489 ملاحظه می‌کنیم.

در این روایت نقل شده است که وقتی رسول گرامی اسلام در شب زفاف، حضرت فاطمه زهرا را تحویل علی بن ابی طالب داد، دعا کردند؛

**«ثم قام فأغلق عليهما بابہ بیده»**

سپس برخاست و در را بست و بیرون رفت.

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعانی، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمی، ج 5، ص 489، ح 9782

7- در خانه حضرت زهرا به روی مهاجمان بسته می‌شود

ما نمونه‌های زیادی از این قبیل داریم. همچنین در ماجرای هجوم هم «مرحوم مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد 28 می‌نویسد که وقتی بنی امیه به در خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) رسیدند؛

**«أَعْلَقَتِ الْبَابَ فِي وُجُوهِهِمْ»**

حضرت فاطمه زهرا در را به روی مهاجمین بست.

«و هي لا تشك أن لا يدخل عليها إلا بإذنها»

حضرت تصور نمی‌کرد که آنها بدون اجازه وارد خانه می‌شوند.

«فَضْرَبَ عُمَرُ الْبَابَ بِرِجْلِهِ فَكَسَرَهُ»

عمر بن خطاب با پایش به در زد و در را شکست.

«وَ كَانَ مِنْ سَعْفٍ»

که از چوب درخت خرما بود.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 28،

ص 227، ح 14

کاملاً واضح و روشن است که اگر پرده بود، «أَغْلَقَتِ الْبَابَ فِي وُجُوهِهِمْ» معنا نداشت.

8- عمر درب خانه فاطمه زهرا را دق الباب می‌کند

همچنین «ابن قتیبه دینوری» متوفای 270 هجری نقل می‌کند:

«قام عمر فمشى معه جماعة حتى أتوا باب فاطمة فدقوا الباب»

از این روایت معلوم می‌شود خانه حضرت در داشت که آن را دق الباب کردند.

«فلما سمعت أصواتهم نادت بأعلى صوتها يا أبت يا رسول الله ماذا لقينا بعدك من ابن الخطاب وابن

أبي قحافة»

حضرت فاطمه زهرا با صدای بلند فرمودند: یا رسول الله! بعد از تو ما از زاده خطاب و ابوقحافه چه ها

که نمی‌کشیم.

«فلما سمع القوم صوتها وبكاءها انصرفوا باكين وكادت قلوبهم تنصدع وأكبدهم تنفطر»

زمانی که صحابه صدای گریه حضرت فاطمه زهرا را شنیدند برگشتند، در حالی که قلب‌هایشان به درد می‌آمد و جگرشان کباب می‌شد.

«وبقی عمر ومعها قوم فأخرجوا عليا فمضوا به إلى أبي بكر»

الإمامة والسياسة، اسم المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1418 هـ - 1997 م.، تحقيق: خليل المنصور، ج 1، ص 16، باب كيف كانت بيعة علي بن أبي طالب كرم الله وجهه

همه این روایات نشانگر این است که این مسائل، یک مسائل عادی نبود که ادعا کنیم درهای خانه‌های مدینه چوبی نبود و پرده داشت و این که می‌گویند در خانه حضرت را آتش زدند معنا پیدا نمی‌کند!! میان برنامه‌ای می‌بینیم و در خدمت دوستان هستیم.

چرا با وجود امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) حضرت زهرا به پشت در رفت؟!؟

یکی دیگر از شبهاتی که امروزه وهابیت مفصل در رسانه‌ها و فضای مجازی مطرح می‌کنند شبهه‌ای تاریخ مصرف گذشته است، اما به دلیل اینکه وهابیت هر سال مطرح می‌کنند ما ناگزیر هستیم هر سال جواب بدهیم. شاید بعضی افراد در سال‌های گذشته این شبهه را شنیده بودند، اما جواب آن را نشنیده بودند. همچنین ممکن است بعضی افراد شبهات آنها را هم نشنیده بودند و امسال برای اولین بار است که این شبهات را می‌شنوند.

آن شبهه این است که ادعا می‌کنند اگر عمر بن خطاب و دار و دسته‌اش به خانه علی بن ابی طالب هجوم آوردند، چرا حضرت خود برای باز کردن درب خانه نرفتند و حضرت فاطمه زهرا را برای باز کردن درب فرستادند؟!

با غیرت مردانگی و غیرت عرب سازگار نیست که مرد در خانه بنشیند و به زن دستور بدهد که در خانه را باز کن!

### 1- فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پشت در نشسته بود

ما در این رابطه هم ما جواب‌های مختلفی از منابع شیعه و منابع اهل سنت داریم. ما می‌بینیم در کتاب «سلیم بن قیس» که «مرحوم مجلسی» هم از ایشان نقل می‌کند، آمده است که وقتی عمر بن خطاب و اطرافیانش وارد خانه حضرت شدند؛

«فَوَثَبَ عُمَرُ غَضْبَانَ فَنَادَى خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ وَ قُنْفُذًا فَأَمَرَهُمَا أَنْ يَخْمِلَا حَطْبًا وَ نَارًا ثُمَّ أَقْبَلَ حَتَّى انْتَهَى

إِلَى بَابِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ عَ قَاعِدَةً خَلْفَ الْبَابِ»

کتاب سلیم بن قیس الهلالی، نویسنده: هلالی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی

خوئینی، محمد، ج 2، ص 864، باب الحدیث الثامن و الأربعون

حضرت فاطمه زهرا پشت در خانه نشسته بودند. انسان در خانه خود اختیار دارد هرجایی بخواهد بنشیند و هیچ ربطی هم ندارد که افرادی بیایند در را بزنند و افراد دیگری ادعا کنند که چرا حضرت فاطمه زهرا پشت در رفته است.

در آن زمان وضع خانه‌های مدینه چنین نبود که دو سه هزار متری باشد و قسمت بیرونی و اندرونی از همدیگر جدا باشد.



بنا به نقل کتاب «أنساب الأشراف» اثر «بلاذری» جلد اول صفحه 586 و «تاریخ طبری» جلد دوم صفحه 443 و «مصنف ابن ابی شیبیه» جلد هشتم صفحه 572 کاملاً مشخص است که به طرف خانه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) هجوم آوردند.

حضرت فاطمه زهرا پشت در نشسته بود، در حالی که «طلحه» و «زبیر» و تعدادی از بنی هاشم داخل اتاق با علی بن ابی طالب مشورت می‌کردند. عمر بن خطاب و همراهانش در را زدند و حضرت فاطمه زهرا هم پشت در بودند.

چنین نیست که امیرالمؤمنین در خانه نشسته باشند، از رفتن جلوی در امتناع کنند و به حضرت فاطمه زهرا دستور بدهند که در را باز کند. اصلاً زمانی که مهاجمین هجوم آوردند، حضرت فاطمه زهرا پشت در نشسته بودند.

## 2 - حرمت دخول به خانه بدون اذن صاحب آن

نکته دوم این است که ما سؤال را به شما برمی‌گردانیم. من بارها گفتم که بهترین پاسخ برای شبهه این است که ما از خود شبهه‌ای که وهابیت تولید می‌کنند، شبهه تولید کنیم.

یکی از بهترین روش‌های پاسخ به شبهات این است که از سؤال، سؤال تولید کنیم. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید.

(فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ)

و اگر کسی در آن نیافتید داخل آن نشوید تا به شما اجازه داده شود.

**(وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ اذْجِعُوا فَاجِئُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ)**

و اگر گفته شود بازگردید، بازگردید، که برای شما پاکیزه‌تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

**سوره نور (24): آیات 27 و 28**

عمر بن خطاب و همراهانش به چه مجوزی وارد خانه شدند؟! آیا امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا که صاحب خانه بودند، به آنها اجازه دادند تا وارد خانه شوند؟! چه کسی به آنها اجازه ورود داد؟! ورود این افراد به خانه بدون اجازه صورت گرفته است.

«ابن تیمیه» در کتاب «منهاج السنة النبوية» جلد هشتم صفحه 291 در این خصوص می‌نویسد:

**«کبس البیت»**

به زور وارد خانه شدند.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج 8، ص 291، باب فصل قال

الرافضي الثامن قوله في مرض موته ليتنى كنت تركت بيت فاطمة لم أكبسه

اگر به ماده «کبس» در لغت نامه مراجعه کنید، می‌بینید معنای آن به زور وارد شدن در جایی است. عمر بن

خطاب و همراهانش به زور و بدون اجازه هیچکس بلکه با نهی از ورود وارد خانه شدند.

آیا کار کسانی که به زور وارد خانه حضرت فاطمه زهرا شدند، کارشان با این آیه منافات ندارد؟! آیا این افراد

این آیه را زیر پا نگذاشتند؟!

آیا این افراد اجازه گرفتند و به اهل خانه سلام گفتند یا اینکه به زور وارد خانه شدند؟! اگر گفتند وارد نشوید تا اذن بدهند یا گفتند برگردید، این افراد به آن عمل می‌کردند؟! در اینجا چندین امر و نهی وجود دارد که چرا این افراد چنین کاری را مرتکب شدند!!

### 3- لزوم رعایت حرمت خانه نبوت

نکته سوم این است که خداوند عالم در سوره مبارکه احزاب آیه 53 می‌فرماید:

**(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ)**

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در بیوت پیامبر داخل نشوید مگر به شما اجازه برای صرف غذا داده شود.

سوره احزاب (33): آیه 53

خانه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) هم جزو بیوت الانبیاء است. در کتاب «در المنثور» اثر «سیوطی» جلد ششم صفحه 203 آمده است که وقتی آیه شریفه:

**(فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ)**

(این چراغ پر فروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد) خانه‌هایی که نام خدا در آن برده شود و صبح و شام در آن تسبیح گویند.

سوره نور (24): آیه 36

نازل شد، کسی بلند شد و گفت:

«أى بيوت هذه يا رسول الله»

یا رسول الله! این خانه کدام خانه است؟

مراد این شخص این بود خانه‌هایی که خداوند عالم اذن داده در آنجا صدای الله و تسبیح الهی از آنجا برخاسته شود، کدام خانه است؟!

«قال: بیوت الأنبياء»

پیغمبر اکرم فرمود: خانه انبیاء.

«فقام اليه أبو بكر فقال: يا رسول الله هذا البيت منها البيت على وفاطمة»

ابوبکر بلند شد و گفت: یا رسول الله! خانه علی و زهرا هم جزو آن خانه‌هاست؟

«قال: نعم من أفاضلها»

پیغمبر اکرم فرمود: بله، از بافضیلت‌ترین آن‌هاست.

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت -

1993، ج 6، ص 203، النور: (36) في بيوت أذن... ..

پیغمبر اکرم به صراحت فرمودند نه تنها خانه امیرالمؤمنین جزو بیوت انبیاء است، بلکه بافضیلت‌ترین خانه انبیاء خانه حضرت فاطمه زهرا و علی بن ابی طالب است.

4 - لزوم رعایت احترام پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

نکته چهارم این که در کتاب «صحيح بخارى» حديث 3509 نقل شده است که پیغمبر اکرم فرمود:

«ازقُبُوا مُحَمَّدًا فِي أَهْلِ بَيْتِهِ»

احترام پیغمبر اکرم را در اهلیت‌ش نگهدارید.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار  
ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص  
1361، ح 3509

این روایت بدان معناست که احترام به اهل بیت پیغمبر اکرم، احترام به پیغمبر است. همچنین آیه شریفه:

**(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)**

بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

**سوره شوری (42): آیه 23**

اصلاً خداوند عالم اجر رسالت پیغمبر اکرم را مودت قریبی قرار داده است. آیا قریبی اقرب از حضرت فاطمه زهرا و  
علی بن ابی طالب متصور است؟!

چرا این افراد احترام حضرت فاطمه زهرا را به عنوان پاره وجود پیغمبر اکرم و تنها یادگار رسول گرامی اسلام و  
پسرعموی پیغمبر رسول الله را نگه نداشتند؟!

**5 - برگشتن مردم با شنیدن ناله حضرت زهرا (سلام الله علیها)**

نکته پنجم این است همانطور که قبلاً در شبهه قبل آوردیم، می‌بینیم وقتی حضرت فاطمه زهرا پشت در ناله  
زدند و فرمودند:

**«يا أبت يا رسول الله ماذا لقينا بعدك من ابن الخطاب وابن أبي قحافة»**

آمده است:

**«فلما سمع القوم صوتها وبكاءها انصرفوا باكين وكادت قلوبهم تنصدع وأكبدهم تنفطر»**

صحابه‌ای که آمده بودند، وقتی صدای حضرت فاطمه زهرا را شنیدند قلب‌هایشان به درد آمد و گریه کنان برگشتند.

چرا عمر بن خطاب و تعداد دیگری از صحابه برگشتند؟! آیا کار عمر بن خطاب و اطرافیانش درست بود یا کار سایر صحابه درست بود؟!

### 6- باز کردن درب خانه توسط همسران رسول خدا برای نامحرم

ما در این زمینه نکات زیادی داریم، اما بنده چند جواب نقضی به این افراد می‌دهم. مشاهده کنید در کتاب «تاریخ دمشق» جلد 44 صفحه 35 روایتی آمده است.

این روایت مربوط به مکه و اواخر عمر حضرت خدیجه و بعد از خروج از شعب اُبی طالب است. رسول گرامی اسلام و مسلمانان سه سال در شعب اُبی طالب در محاصره اقتصادی بودند.

### «فلما أن صلی رسول الله صلاة المغرب قرع عمر بن الخطاب الباب»

رسول الله نماز مغرب را خوانده بودند که عمر بن خطاب آمد و در را زد.

### «وقال افتحی یا خدیجة»

پیغمبر اکرم فرمود: خدیجه برخیز و در را باز کن.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضل‌ها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: اُبی القاسم علی بن

الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین

أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج 44، ص 35، باب آخر الجزء الثامن عشر بعد الخمسمائة من الفرع

شما در اینجا چه ادعایی دارید؟! آیا اینجا هم می‌توانید ادعا کنید که خدای ناکرده رسول گرامی اسلام خودشان

نشسته‌اند و به حضرت خدیجه امر می‌کنند که در را باز کند؟!

آیا اینجا هم ادعا می‌کنید که این خلاف غیرت مردانگی است؟! آیا در اینجا هم جرئت گفتن چنین حرفی را دارید؟!

بازهم در کتاب «تاریخ دمشق» جلد 42 صفحه 470 روایتی نقل شده است مربوط به زمانی که حضرت در مدینه بودند.

**«خرج رسول الله من بيت زينب بنت جحش وأتى بيت أم سلمة فكان يومها من رسول الله»**

رسول اکرم از خانه زینب بنت جحش بیرون آمد و به خانه ام سلمه رفت به جهت اینکه نوبت ام سلمه بود.

**«فلم يلبث أن جاء على فدق الباب دقا خفيفا»**

رسول اکرم تازه وارد خانه ام سلمه شده بودند که علی بن ابی طالب آمد و خیلی آهسته در زد.

**«فانتبه النبي للدق وأنكرته أم سلمة»**

پیغمبر اکرم متوجه دق الباب شد، اما ام سلمه گفت کسی در نمی‌زند.

**«فقال رسول الله قومي فافتح لي»**

رسول اکرم فرمود: بلند شو و برو در را باز کن.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها وتسمية من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبى القاسم على بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1995، تحقيق: محب الدين أبى سعيد عمر بن غرامة العمري، ج 42، ص 470، باب آخر الجزء التاسع والتسعين بعد الأربعمائة من الفرع

شما در اینجا هم ادعا می‌کنید که نستجیر بالله منافات با غیرت مردانگی دارد؟! من نمی‌دانم این آقایان اصلاً کتاب‌های خودشان را خوانده‌اند یا خیر؟!

البته این قضیه در کتب شیعه هم آمده است. «مرحوم مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد 38 صفحه 348 روایتی از قول امیرالمؤمنین می‌آورد که حضرت می‌فرماید: رفتم در خانه پیغمبر اکرم را کمی بلند کوبیدم. عایشه گفت:

«مَنْ هَذَا»

چه کسی هستی؟

«فَقُلْتُ أَنَا عَلِيٌّ»

من گفتم: علی بن ابی طالب هستم.

«فَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ لَهَا يَا عَائِشَةُ افْتَحِي لَهُ الْبَابَ»

شنیدم پیغمبر اکرم به عایشه فرمود: ای عایشه! در را باز کن.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 38،

ص 348، ح 1

عایشه در خانه نزد پیغمبر اکرم نشسته است. وقتی امیرالمؤمنین در می‌زند، عایشه با صدای بلند می‌گوید: چه کسی هستی؟ امیرالمؤمنین می‌فرماید: من هستم. پیغمبر اکرم خودشان جلوی در نمی‌آیند، بلکه به عایشه دستور می‌دهند در را باز کند.

این‌ها مطالبی است که عزیزان اگر خوب دقت کنند، کاملاً مسائل واضح و روشن است. نبی گرامی اسلام در موارد متعدد به همسرانشان دستور دادند تا در را باز کنند.



اگر واقعاً نستجیر بالله این کار با غیرت مردانگی یا غیرت عربی منافات دارد، شما با این شبهه، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را زیر سؤال می‌برید.

برای خودتان هم صدها و هزاران بار افتاده است که وقتی زنگ در خانه‌تان را می‌زنند، به همسرتان می‌گویید تا در را باز کند. آیا نسبت به خودتان هم ادعا می‌کنید که ما غیرت مردانگی نداریم و به همسرمان می‌گویید جلوی در برود؟!

این موارد یک سری شبهاتی است که آقایان وهابی مطرح می‌کنند، بدون آنکه از عواقب کار مطلع باشند.

بنابراین ما ناگزیر هستیم مرتب شبهات وهابیت را رصد کنیم. هرچه وهابیت شبهات را تکرار کنند، بر ما هم واجب و لازم است که این شبهات را پاسخ بدهیم تا جایی که این افراد را حتی میان خانواده خودشان هم رسوا کنیم. ما راه دیگری نداریم.

ائمہ اطہار اعم از امام باقر، امام صادق، امام حسن عسکری (علیهم السلام) و دیگران شاگردانی تربیت می‌کردند و به آنها دستور می‌دادند به شبهات پاسخ بدهند و آنها را در جامعه مفتضح و بی آبرو کنند تا مردم به حرف آنها گوش ندهند.

اگر شما چهار یا پنج مورد از شبهات آنها را خوب و محکم جواب حلی و نقضی بدهید، رسوا خواهند شد. گرچه روی این افراد بیشتر از اینهاست، اما حداقل خود وهابیت و اهل سنت که به آنها می‌بالند می‌فهمند که آنها هیچ آبرویی ندارند.

اگر شما چند مورد از شبهات آنها را محکم جواب حلی و نقضی بدهید، رسوا خواهند شد. بنده بارها گفتم که معتقدم تأثیرگذاری جواب نقضی در پاسخ به شبهه چندین برابر جواب حلی است.

هر جواب حلی نیاز به سه یا چهار جواب نقضی دارد تا تار و پود فکری این افراد به هم بریزد و دیگر به فکر آنها نرسد که بخواهند نسبت به عقائد شیعه شبهه وارد کنند.

بنده عرایض را به همین جا خاتمه می‌دهم و توفیق همه عزیزان را از خداوند مَنّان می‌خواهم.

بنده از همه عزیزانی که در مشهد مقدس در جوار بارگاه ملکوتی امام هشتم (علیه السلام) هستند، التماس دعا دارم و تقاضا می‌کنم ما را هم از دعای خیرشان فراموش نکنند.

تقاضامندم زائرین زمانی که وارد حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) می‌شوند، نگویند: «یا علی بن موسی الرضا یابن رسول الله»، بلکه خطاب کنند: «یا علی بن موسی الرضا یابن فاطمة الزهراء»!

به قول عرفا و اهل دل امام هشتم را به «ابن الزهراء» خطاب کردن سرّی دارد. یکی از دوستان ما می‌گفت: ما از حرم بیرون می‌آمدیم در حالی که «علامه طباطبایی» صاحب کتاب «تفسیر المیزان» وارد می‌شد.

ما از ایشان پرسیدیم: آقا جان! ما چکار کنیم امام رضا حاجت ما را بدهد؟ ایشان با حالت لرزانی که در اواخر عمر پیدا کرده بودند، گفتند: پسرم در گوشه‌ای بنشینید و روضه حضرت فاطمه زهرا بخوانید، هم خودتان بگریید و هم امام رضا را بگریانید.

تعبیر «مرحوم علامه طباطبایی» این است: اگر این کار را کردید، دست و بال امام رضا را بستید و شما را بدون اینکه حاجت روا کند از حرم بیرون نمی‌کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته